

## سخن نخست

برخلاف سده‌های پیشین که زندگی عامه مردم، چندان در کانون توجه مطالعات اجتماعی قرار نداشت، در یک قرن اخیر، مردم‌شناسی و عناصر فولکلور، همواره یکی از زمینه‌های ثابت این مطالعات، برای دستیابی به درکی صحیح و جامع از گذشته، بویژه در حوزه مطالعات انسانی بوده است. علاوه بر کارکردهای شناخت‌شناسانه، مطالعه فرهنگ عامیانه هر جامعه، در هویت‌یابی، احیا و بازتولید حافظه تاریخی جمعی، مقابله با یکسان‌شدگی فرهنگی و در ابعاد گسترده‌تر، کسب راهبردهای منافع ملی ضرورت دارد.

شرایط و ویژگی‌های جهان امروز، ضرورت پرداختن به این بخش از مطالعات علوم انسانی را دو چندان کرده است و در این میان، رسانه ملی نقشی ممتاز و محوری دارد زیرا تحقق این امر که البته مستلزم هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب است، با بهره‌گیری از کارکردهای رسانه، آسان‌تر و امکان‌پذیرتر خواهد شد. پوشش گسترده و مخاطبان بسیار، رسانه را در ردیف تأثیرگذارترین پدیده‌های عصر حاضر قرار داده است. تولید و پخش برنامه‌های مختلف مبتنی بر فرهنگ عامه، علاوه بر تسهیل اهداف یادشده، از چند وجه تأثیرگذار است؛ رسانه، آگاهی‌بخشی در حوزه فولکلور را میان طیف‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی امکان‌پذیر می‌سازد و با تهیه برنامه‌های جذاب در این زمینه دستیابی به این آگاهی را برای مخاطب آسان‌تر می‌کند. اطلاع از گذشته، همواره برای انسان‌ها جذاب و مورد توجه بوده است، زیرا شناخت پیشینه به یک معنا، نوعی تداوم هویت جمعی از گذشته تا امروز است.

همچنین، رسانه تنها پیام را منتقل نمی‌کند بلکه می‌تواند آن را به گونه‌ای که لازم می‌داند روایت و بازسازی کند. به عبارت دیگر، در این زمینه، با تصویرسازی بهتر، امکان نزدیکی دو جهان زیست مختلف را فراهم می‌کند و از رهگذر این واکاوی، گاه به راه حلی نو و بومی،

برای مسائل امروز دست می‌یابد. از این رو، رسانه، با نمایش عناصر فرهنگ مردم امکان مقایسه زندگی امروز و دیروز را فراهم می‌سازد. این مقایسه و داوری، نوعی آموزش و فهم را در درون خود دارد که در عین حال، حفظ و ماندگاری این عناصر هویت‌بخش و انتقال آنها به نسل بعدی را تضمین می‌کند. رسانه با بازنمایی این فرهنگ همچنین می‌تواند به کنشگری فعال در مسیر اتحاد و همبستگی ملی تبدیل شود.

بررسی آیین‌ها و آداب و رسوم و ژرفانگری در وجوه مختلف هر رسم و آیین علاوه بر شناسایی و معرفی سنت‌های نیکو به سیاستگذاران و برنامه‌سازان، این امکان را می‌دهد تا ظرفیت‌های فرهنگ بومی، به درستی شناسایی و متناسب با الزامات عصر حاضر، روزآمد شوند و در نهایت، الگوهای جدید، منطبق با فرهنگ بومی و متناسب با شیوه‌های زیست کنونی ارائه شوند. البته این امر، حرکتی بزرگ در عرصه‌های فنی و تخصصی را می‌طلبد که رسانه ملی می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد و بستر فرهنگی لازم را برای شناخت و طرح و گسترش این امر فراهم آورد. شاید بتوان گفت بیش از هر چیز، در این زمینه، طرح درست مفاهیم سنتی در جامعه است که جایگاه رسانه ملی را بی‌بدیل می‌سازد.

**سردبیر**